

## Urdu *Tafasir* with a particular reference to Abdul Majid Daryabadi's *Tafsir -i Majidi* (1960)

Abdul Raheem Kidwai<sup>1</sup>

Ali Tamassoki Bidgoli<sup>2</sup>

1.Honey. Director, KAN Center for Quranic Studies Aligarh Muslim University, Aligarh, India [sulaim\\_05@yahoo.com](mailto:sulaim_05@yahoo.com)

2.PhD in sciences of the holy Quran and hadith, Mazandaran University. [bidgoli.at@gmail.com](mailto:bidgoli.at@gmail.com)

Doi: 10.22034/iscw.2023.713493

### *Orgina Research*

**Received:**  
2022-02-27

**Accepted:**  
2023-09-16

**Keywords:**  
Abdul Majid  
Daryabadi,  
Urdu Tafasir,  
Tafsir -i Majidi

**Abstract:** The article provides an overview of the genesis, typology and evolution of *Tafsir* in the Indian subcontinent from the 19th to the 21st century. It delves deeply into the approach, methodology and striking features of Abdul Majid Daryabadi's (1892-1977), Urdu *Tafsir Majidi* written in 1960s. Daryabadi's main contribution consists in his exposition of the Quranic worldview as endorsed by *Ahl Al-Sunna wa Al- Jama'a*, his refutation of the materialistic, Godless Western thought patters and his comparison of the Quran with the Bible, bringing out the moral excellence and other hallmarks of the Quran. He also repudiates the Orientalist critique on the Quran. Unlike some apologist tafsir writers, he stoutly vindicates the Quranic miracles and eschatology. *Tafsir Majidi* stands out as a brilliant amalgam of tradition and modernity.

## تفسیرهای اردو با نگاهی ویژه به تفسیر ماجدی، اثر عبدالماجد دریابادی (۱۹۶۰ م)

علی تمسکی بیدگلی<sup>۲</sup>

عبدالرحیم قدوایی<sup>۱</sup>

۱. استاد، مدیر مرکز مطالعات قرآنی کان، دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره، هند.

[sulaim\\_05@yahoo.co.in](mailto:sulaim_05@yahoo.co.in)

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. [bidgoli.at@gmail.com](mailto:bidgoli.at@gmail.com)

DOI: 10.22034/iscw.2023.713493

**چکیده:** این مقاله به بررسی اجمالی پیدایش، گونه‌شناسی و تحول تفسیر در شبه‌قاره هند از قرن نوزدهم تا قرن بیست و یکم میلادی می‌پردازد. همچنین به رویکرد، روش‌شناسی و ویژگی‌های برجسته تفسیر ماجدی، اثر عبدالماجد دریابادی (۱۸۹۲-۱۹۷۷)، که در دهه ۱۹۶۰ به زبان اردو نوشته شده است، می‌پردازد. ویژگی اصلی دریابادی در تفسیر او عبارت است از بازنمایی جهان‌بینی قرآنی تأییدشده توسط اهل سنت و جماعت، رد الگوهای فکری ناباور به خدا و مادی‌گرایانه غربی و مقایسه قرآن با کتاب مقدس، که بر تری اخلاقی و سایر ویژگی‌های برجسته قرآن را نشان می‌دهد. او همچنین نقدهای خاورشناسان بر قرآن را رد می‌کند. بر خلاف برخی از مفسران مدافعه‌جو، او معجزات و معاد قرآن را به‌طور قاطع تأیید می‌کند. تفسیر ماجدی ترکیبی درخشان از سنت و تجدد است.

**صص:**

۱۴۰-۱۹۵

**مقاله:**

علمی پژوهشی

**تاریخ دریافت:**

۱۴۰۱/۰۹/۰۶

**تاریخ پذیرش:**

۱۴۰۲/۰۶/۲۵

**کلید واژه‌ها:**

تفسیر ماجدی،

تفسیرهای اردو،

عبدالماجد دریابادی

## بیان مسئله

این مقاله به طور انتقادی به پرسش‌های پژوهشی زیر می‌پردازد:

- تاریخ تفسیر در زبان اردو چگونه است؟
- رویکردهای اصلی تفسیر در زبان اردو کدام‌اند؟
- عبدالماجد دریابادی چه سهمی در تفاسیر اردو داشته است؟
- تفسیر ماجدی چگونه از سایر تفاسیر متمایز می‌شود؟
- آیا تفسیر ماجدی در انتقال مؤثر معنای و پیام قرآن موفق است؟
- آیا تفسیر ماجدی به مسائل معاصر می‌پردازد و راه خروج را بر اساس هدایت قرآنی به خوانندگان نشان می‌دهد؟

## ۲. اهداف نگارش تفسیر

این نکته قابل توجه است که برترین اندیشمندان مسلمان، با گرایش‌های ایدئولوژیک، معنوی و فلسفی خود، در طول اعصار به نوشتن تفسیر توجه کرده‌اند. به همین ترتیب، آنها با الگوهای فکری غیراسلامی آن روز، چه تفکر الحادی یونانی در دوران شکوفایی اسلام و چه غرب‌زدگی زمان ما، مقابله کرده‌اند. در طول تاریخ، هدف آنها آشکار ساختن ارتباط جاودانه و همیشگی قرآن بوده است. جای تعجب نیست که در تفسیر امروزین به مباحثی مانند مدرنیته، پلورالیسم، مسلم‌لنن به عنوان اقلیت در دنیای جهانی امروز، فمینیسم، همجنس‌گرایی، تروریسم، عدالت جنسیتی، تعادل زیست محیطی و مدل‌های حکمرانی برمی‌خوریم. مفسران قرآن در این راستا به تفسیر به رأی با رویکردی میانه متوسل شده‌اند.

## ۳. ساختار تفسیر ماجدی

تفسیر ماجدی به تبیین کل جهان‌بینی قرآنی، مفاهیم و اصطلاحات کلیدی خاص قرآن می‌پردازد و خوانندگان را قادر می‌سازد تا هدایت قرآنی را به دست آورند.

تفسیر ماجدی به تفسیر تنها چند سوره محدود نمی‌شود، بلکه به تفسیر کل متن قرآن می‌پردازد.

#### ۴. روش تفسیری ماجدی

روش تفسیر ماجدی روشگرانه است و چندان بر اسباب نزول آیات قرآن تمرکز ندارد. دریابادی با استدلال‌های محکم و مقایسه با کتاب مقدس، شرق‌شناسان و اندیشه غربی، در صدد است تا معنا و پیام قرآن را آشکار کند. بنابراین رویکرد او کاملاً عقلانی است و جهت‌گیری آن متقاعد کردن خوانندگان درباره صحت پیام قرآن است.

#### ۵. نمونه‌هایی از تفسیر علمی دریابادی

الف) عبدالمجد دریابادی در تفسیر آیات ۱۱۵ و ۱۷۷ سوره بقره، ضمن تأکید بر وحدت وجود خداوند، با درایت اشاره می‌کند که این آیات بر رد عمل رایج شرک‌آلود "عبادت جهت‌دار"<sup>۱</sup> دلالت دارند. وی تأیید می‌کند:

«مسیحیان، هم‌راستا با خورشیدپرستان و بسیاری از مشرکین دیگر، به جهت شرق تقدس خاصی قائل هستند. اسنیان در جهت طلوع خورشید نماز می‌خواندند... برای مسیحیان نیز غرب سرشار از معناست. در مراسم تعمید... فرد تعمیدشونده با صورت به سمت غرب قرار می‌گرفت. طبق گفته هندوها، جهت جنوب شرقی برای مانو مقدس بود.»

«اعتقاد کلیسای اولیه بر این بود که شر از شمال وارد می‌شود. آیه ذکر شده قرآن با "عبادت جهت‌دار" مخالفت می‌کند و در واقع می‌گوید که هیچ دلیلی در عبادت به سوی جهت خاصی وجود ندارد.» (دریابادی، تفسیر ماجدی، ۱، ۱۳۱)

ب) دریابادی مفهوم قرآنی خدا را، همانطور که در بقره ۲: ۱۶۰ آمده است، به طور چشمگیری با مفهوم کتاب مقدس متفاوت می‌داند و آن را چنین برجسته‌تر می‌کند:

«خدای اسلام، برخلاف خدای بسیاری از ادیان، نه حسود است و نه انتقام‌جو. این امر نه تنها با توجه به عقاید مشرکان بلکه با آموزه‌های کتاب مقدس (یوشع ۲۴: ۱۹) نیازمند تکرار مکرر است.» (دریابادی، تفسیر ماجدی، ۱، ۱۰۲)

### آشنایی

در میان همه زبان‌های دنیا، بیشترین تعداد ترجمه و تفسیر قرآن، که صدها جلد را شامل می‌شود، به زبان اردو، زبان مشترک مسلمانان شبه قاره هند، انجام شده است. (برای جزئیات، ر.ک: اکمل الدین إحسان أوغلو (ویراستار)، کتابشناسی جهانی ترجمه‌های معنوی قرآن کریم: ۱۵۱۵-۱۹۸۰. استانبول، مرکز تحقیقات تاریخ، فرهنگ و هنر اسلامی سازمان کنفرانس اسلامی، ۱۹۸۰). قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود با عنوان "تفسیر وهبی" به زبان دکنی اردو، که در کتابخانه‌ی آصفیه حیدرآباد دکن هند نگهداری می‌شود، به سال ۱۶۷۶ برمی‌گردد. با این حال، اولین ترجمه قابل توجه منتشر شده به زبان اردو، توسط شاه عبدالقادر (متوفی ۱۸۳۵)، پسر بااستعداد شاه ولی‌الله، با عنوان "موضح القرآن" انجام شده است. برخی از تفسیرهای مهم اردو که نماینده مکاتب فکری و رویکردهای مختلف به قرآن هستند عبارتند از:

- توضیح المآجد فی تنقیح کلام الله الحَمید: اثر سید علی
- بیان القرآن: اثر اشرف علی ثانوی
- ترجمان القرآن: اثر ابوالکلام آزاد
- تفسیر ثنایی: اثر ثنالله امریتسری
- تفسیر ماجدی: اثر عبدالماجد دریابادی
- ضیاء القرآن: اثر کرام شاه ازهری
- معارف القرآن: اثر محمد شفیع
- تفسیر فہم القرآن: اثر ابوالاعلیٰ مودودی
- تدبیر القرآن: اثر امین احسان اصلاحی

- تَذَكُّرُ الْقُرْآن: اثر وحیدالدین خان
- تفسیر نظامُ الْقُرْآن: اثر حمیدالدین فرّاهی
- تفسیر فَتْحُ الْمَنَان: اثر عبدالحق حقّانی
- تَرْجُمَانُ الْقُرْآنِ بِلَطَائِفِ الْبَيَان: اثر صدیق حسن خان
- قرآنِ عزیز: اثر احمد علی لاهوری
- تفسیر مَوَاهِبُ الرَّحْمَنِ: اثر امیر علی ملیح آبادی
- تفسیر الْمَظَاهِر: اثر ثنالله پانی پتی
- مَفْهُومُ الْقُرْآن: اثر غلام احمد پرویز
- خَزَائِنُ الْعِرْفَان: اثر احمد رضا خان و نعیم الدین مرادآبادی
- الْهَامُّ الرَّحْمَنِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآن: اثر عبیدالله سندی
- تفسیر عُثْمَانِي: اثر شبیر احمد عثمانی
- تفسیرُ الْقُرْآنِ وَ هُوَ وَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَان: اثر سید احمد خان

### طبقه‌بندی تفاسیر اردو

در این بخش نگاهی کوتاه به طبقه‌بندی تفاسیر قرآن به زبان اردو می‌اندازیم:

تفاسیر نقلی (روایت‌محور): شاه عبدالقادر، ثانوی، دریابادی، محمد شفیع، حقّانی، لاهوری، ملیح آبادی و عثمانی، نماینده‌ی رویکرد تفسیری نقلی هستند که با دیدگاه اهل سنت و جماعت یا مکتب دیوبندی مطابقت دارد.

تفاسیر عقلی (عقل‌محور): در مقابل، سید احمد خان، آزاد، وحیدالدین خان، پرویز و سندی، با رویکردی به دور از فهم سنتی قرآن، به تفسیر عقلی (تفسیر بر اساس رأی شخصی) روی آورده‌اند.

تفاسیر با گرایش‌های خاص: برخی مفسران کوشیده‌اند پیش‌فرض‌های فرقه‌ای خود را بر تفسیر قرآن غالب کنند، مانند: احمد رضا خان و الازهری (با گرایش فکری مکتب بریلوی)؛ امریتسری و صدیق حسن خان (با گرایش فکری مکتب اهل حدیث)؛ فزّاهی و اصلاحی (با رویکرد نظم‌محور) و پانی پتی (با گرایش صوفیانه).

تفسیر با رویکرد شیعی: سید علی نیز مفاهیم شیعه را در تفسیر خود منعکس می‌کند.

### تفسیر ماجدی اثر دریابادی

حالا نگاهی به «تفسیر ماجدی» اثر عبدالماجد دریابادی بیندازیم. شاید در میان تمام مفسران، تنها عبدالماجد دریابادی (۱۸۹۲-۱۹۷۷) این امتیاز منحصر به فرد را داشته باشد که تفسیر خود را به دو زبان انگلیسی و اردو نوشته است. لازم به ذکر است که هر دوی این تفاسیر مستقل از یکدیگر هستند و برای مخاطبانی با طرز تفکر متفاوت نوشته شده‌اند.

تفسیر انگلیسی برای مسلمانان تحصیل کرده‌ی غرب نوشته شده که با الگوهای فکری غربی درگیر هستند. این گروه ممکن است با تردید و بدبینی به قرآن نگاه کنند و آن را اثری کهنه و منسوخ با پیامی منقضی بدانند، به ویژه در دنیای علمی و مدرن پس از انقلاب صنعتی قرن بیستم. دریابادی با استفاده از منابع دانش مدرن، به اثبات حقیقت و معنای جاودانه‌ی قرآن در عصر ما می‌پردازد.

### تفسیر ماجدی: اهداف

تفسیر اردوی او برای مسلمانان معمولی و مومنانی که به طور مداوم به انجام اعمال دینی می‌پردازند نوشته شده است و هدف آن انتقال هدایت ابدی قرآن به آن‌ها با زبان شیرین و شیوای اردو است. دریابادی درباره‌ی پیشینه‌ی تفسیر اردوی خود می‌گوید:

«بعد از اینکه ترجمه و تفسیر انگلیسی خود را به پایان رساندم، کار بر روی تفسیر اردوی خود را آغاز کردم که بسیار مفصل‌تر از نسخه انگلیسی است. در نوشتن این تفسیر، «بیان القرآن» مولانا ثانوی به من کمک شایانی کرد. بدون شک، تفاسیر اردوی عالی دیگری نیز وجود دارند. برای مثال، ترجمه شاه عبدالقادر بی‌نظیر است. با این حال، تفسیر مولانا ثانوی ویژگی‌های بسیاری دارد که در هیچ تفسیر دیگری یافت نمی‌شود. در مورد ترجمه اردوی من، بخش زیادی از آن از «بیان القرآن» اقتباس شده است. همین موضوع درباره‌ی

بخش‌های حقوقی تفسیر من نیز صدق می‌کند که بخش اعظم آن از همان کتاب گرفته شده است. این بخت را داشتم که در حین نوشتن تفسیرم به طور مرتب با مولانا ثانوی دیدار کنم و اغلب از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند شوم.

تفسیر اردوی من از نظر پوشش موضوعی بسیار گسترده‌تر از تفسیر انگلیسی است. بخشی از این گستردگی به دلیل استفاده از نقل قول‌های فراوان از کتاب‌های لغت و تفاسیر کلاسیک است. توانستم این کار را در مدت چهار سال به پایان برسانم. در سال ۱۹۴۴، آن را برای چاپ به شرکت تاج در لاهور فرستادم. انتشارات برای چاپ آن چند سال وقت صرف کرد و بدتر اینکه، فرمت نامناسبی (ترجمه بین‌سطری و تفسیر در حاشیه صفحه) را برای آن انتخاب کرد که باعث ضعیف شدن چیدمان و نمای کلی اثر شد.»

### تاریخچه‌ی انتشار

دریابادی به بازنگری و توسعه‌ی تفسیر خود ادامه داد و توانست تا اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ آن را به میزان قابل توجهی گسترش دهد. جای تأسف بسیار است که او نتوانست ناشری برای انتشار نسخه‌ی تجدید نظر شده و کامل‌شده‌ی تفسیر خود پیدا کند. از آنجایی که او به هیچ گروه یا فرقه‌ی خاصی تعلق نداشت، کسی برای انتشار تفسیرش پیشقدم نشد. با منابع مالی محدود خود تنها توانست دو بخش از اثر عظیم خود را تا سوره‌ی یونس به چاپ برساند. آرزوی قلبی او انتشار کامل این اثر بود. اما او در ژانویه‌ی ۱۹۷۷ با این آرزوی برآورده نشده درگذشت. این امر گویای وجود فرقه‌گرایی، سیاست‌های گروهی، شخصیت‌پرستی و بی‌تفاوتی نسبت به کار علمی باکیفیت در جامعه‌ی مسلمان، به ویژه در شبه‌قاره است.

پس از درگذشت دریابادی، با درخواست مولانا ابوالحسن علی ندوی، «مجلس تحقیقات و نشریات اسلامی» وابسته به «ندوة العلماء، لکنهو» حق انتشار این اثر را به دست آورد. داستان غم‌انگیز دیگری این است که این اثر ۶ جلدی تنها در سال ۲۰۱۳، پس از ۳۶ سال از درگذشت دریابادی، به صورت کامل منتشر شد. لازم به ذکر است که این آکادمی با در نظر گرفتن تمام ملزومات علمی، آن را به بهترین نحو چاپ کرده است.

## مشکلات ترجمه قرآن

«مقدمه» دریابادی اثری ارزشمند و قابل تأمل است که نکات مفیدی را درباره‌ی متن و بستر قرآن، مسائل و چالش‌های ترجمه آن و مهم‌تر از همه، چگونگی رویارویی خوانندگان با قرآن برای درک آن بیان می‌کند:

ترجمه‌ی هر شاهکار ادبی کار ساده‌ای نیست؛ زیرا مترجم در انتقال وفادارانه‌ی ساختار جمله، اصطلاحات، عبارات ترکیبی، ویژگی‌های دستوری و بلاغی و ظرافت‌های کلام به زبانی دیگر با مشکل مواجه می‌شود. اگر کسی متن را به زبان مقصد با نثر پاکیزه و اصطلاحات رایج ترجمه کند، در بهترین حالت، تنها به بازنویسی یا اقتباسی دست زده است، نه ترجمه. از سوی دیگر، ترجمه‌ی صرفاً تحت‌اللفظی، کسل‌کننده، بی‌روح و فاقد الهام می‌شود و برای خوانندگان جذابیتی ندارد.

آثار شاعرانه‌ی غالب و اقبال، گلستان سعدی و مثنوی مولوی توسط افراد بسیار توانمند به زبان انگلیسی و اردو ترجمه شده است. با این حال، هیچ یک از این ترجمه‌ها نمی‌توانند زیبایی‌های ادبی متن اصلی را به طور کامل منتقل کنند. اگر این در مورد دستاوردهای ذهن بشر صادق است، پس کلام خدا که در همه ابعاد برتر است، به هیچ وجه قابل ترجمه نیست؛ به گونه‌ای که تمامی ویژگی‌های برجسته‌ی آن حفظ شود.

این امر به سادگی خارج از توانایی انسان است که زیبایی و بلاغت بی‌نظیر آن را درک کند. با این حال، خداوند از رحمت بی‌پایان خود، برای تلاش صادقانه در این راستا پاداش وعده داده است.

به خاطر داشته باشید که قرآن کتابی هدایت‌بخش، جهانی و جاودان برای همه‌ی انسان‌ها در هر زمان و مکانی است. در عین حال، زمینه‌ی زمانی و مکانی خاص خود را نیز دارد، چرا که در برهه‌ی زمانی مشخصی نازل شده و مخاطب اولیه‌ی آن مردمی از یک مکان خاص بوده‌اند. این نقش دوگانه‌ی قرآن شگفت‌انگیز است.

به همین ترتیب، پیام قرآن بدون شک جهانی است، اما زبان ارائه آن صرفاً عربی است. اگر کسی آن را با معیارهای زبان‌های دیگر قضاوت کند، مرتکب حماقتی آشکار شده است. علاوه بر این، اعراب ابتدای قرن هفتم مخاطبان اولیه‌ی آن بودند. بنابراین، قرآن سطح

فکری و روحیات آن‌ها را در نظر می‌گیرد. اگر قرآن درباره‌ی حقایق تاریخی یا علمی‌ای صحبت می‌کرد که آن‌ها با آن آشنا نبودند، هیچ هدفی را دنبال نمی‌کرد. با این وجود، بیانات قرآنی به اندازه‌ی کافی انعطاف‌پذیر هستند که بتوانند با پیشرفت‌های بعدی در دانش بشر سازگار شوند. همین جنبه‌ی معجزه‌آمیز قرآن، خود گواه این است که آن کلام خداست. قرآن اساساً کتاب هدایت است. تقوا و صداقت قلب، کلید درک پیام آن است. تنها تسلط بر زبان برای درک قرآن کافی نیست. ابوجهل و ابولهب به عنوان اعضای قریش، با مانع‌زبانی روبه‌رو نبودند، اما هرگز به قرآن روی نیاوردند. در نتیجه، نتوانستند هیچ هدایتی از آن دریافت کنند.

### معجزات در قرآن

قرآن در مورد اموری که از درک حسی انسان خارج است (الغیب) مانند خداوند، روح، فرشتگان وحی، رسالت، بهشت، جهنم و پاداش الهی، راهنمایی‌های فراوانی ارائه می‌دهد. زیرا هیچ منبع دانش دیگری نمی‌تواند انسان را در مورد این امور آگاه کند. با این حال، قرآن حتی درباره‌ی حوزه‌ی علمی که برای ذهن و سایر قوای انسان قابل دسترس است، سخنان بسیار کمی دارد. تنها به برخی از مواردی که امروزه علم نامیده می‌شود، اشارات گذرایی کرده است. این کار با توجه به این واقعیت انجام می‌شود که در پی پیشرفت هوش انسانی، خود انسان قوانین طبیعت را کشف و به کار خواهد گرفت.

اعجاز قرآن در این است که هیچ واقعیت علمی در هیچ زمانی کشف نمی‌شود که بتواند با گفته‌های قرآن تناقض داشته باشد. بلکه، همه اکتشافات علمی بعدی صحت و درستی آن را تایید می‌کنند و تایید خواهند کرد.

### تفسیر ماجدی: منابع

منابع دربابادی در نگارش تفسیرش، نشان‌دهنده‌ی گرایش‌ها و رویکرد اوست. برخی از منابعی که او به طور مکرر از آن‌ها نقل قول می‌کند عبارتند از:

- تفسیر طبری اثر ابن جریر

- تنویر المیزان اثر ابن عباس
- احکام القرآن اثر ابن عربی
- مشکلات القرآن اثر ابن قتیبه
- البحر المحیط اثر ابوحنیفان غرناطی
- البرهان فی علوم القرآن اثر زرکشی
- انوار التنزیل اثر بیضاوی
- بیان القرآن اثر اشرف علی ثانوی
- مفاتح الغیب اثر رازی
- روح المعانی اثر آلوسی
- احکام القرآن اثر قرطبی
- الکشف اثر زمخشری
- مدارک التنزیل اثر نسفی
- معالم التنزیل اثر بغوی
- غرائب القرآن اثر نیشابوری

علاوه بر این تفاسیر عربی استاندارد، او به انبوهی از آثار مربوط به واژه‌شناسی عربی/قرآنی و برخی تفاسیر اردو نیز رجوع کرده است.

همانطور که خود دریابادی اذعان می‌کند، «بیان القرآن» مولانا ثانوی (چاپ اول ۱۹۱۶) اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع او بوده است. از همه مهم‌تر، او از طریق مکاتبات با مولانا ثانوی که در کتاب «حکیم الامت: نقوش و تئورات» (اعظم گره، دارالمصنّفین، ۱۹۵۳) اثر دریابادی مستند شده، راهنمایی‌های بیشتری درباره‌ی مسائل خاص تفسیری دریافت کرده است. این مکاتبات چندین هدف را دنبال می‌کرد:

(۱) به لطف دانش قرآنی ارزشمند مولانا ثانوی، بسیاری از ابهامات تفسیری دریابادی برطرف شد.

(۲) دریابادی در حین نگارش تفسیر خود، «بیان القرآن» ثانوی را به دقت مطالعه کرد و برخی لغزش‌های سهوی را که در آن یافته بود، به اطلاع ایشان رساند. در اکثر موارد، مولانا ثانوی با بزرگواری آن‌ها را تایید و در چاپ بعدی «بیان القرآن» تصحیح کرد. با این حال، در برخی موارد، او با استناد به منابع کلاسیک یا با ارائه استدلال‌هایی، موضع خود را توجیه کرد.

(۳) در برخی مسائل، به ویژه در رابطه با تعیین مکان‌های قرآنی با توجه به آخرین یافته‌های تاریخی، جغرافیایی یا باستان‌شناسی، دریابادی نتوانست مولانا را برای تغییر موضعش متقاعد کند. بنابراین، او آنچه را که قابل دفاع‌تر می‌دانست دنبال کرد. این مکاتبات بین این دو نفر برای دانشجویان قرآن بسیار آموزنده است - نحوه طرح و فرمول‌بندی سوالات، نحوه ارائه آن‌ها با حفظ احترام کامل برای یک شخصیت ارشد و سالخورده، نحوه پیشبرد و دفاع از موضع خود، نحوه اختلاف نظر بدون کینه و اینکه چگونه فرد باید با تمام توان ذهنی خود در جهت پیشبرد و ترویج پیام و حقیقت قرآن تلاش کند. این گفتمان به عنوان یک مشارکت ارزشمند و بی‌سابقه در مطالعات تفسیری شناخته می‌شود.

بحث بین این دو عمدتاً بر موارد زیر متمرکز است:

- انتخاب یک عبارت مناسب‌تر در زبان اردو به عنوان معادل برای متن اصلی عربی
- برخی بی‌دقتی‌ها یا حذف‌های ناخواسته در ترجمه ثانوی
- برخی ابهامات یا سردرگمی‌ها در ترجمه ثانوی
- اعتبار گزارش‌ها و معیارهای خاص در نگارش تفسیر
- برخی اصول کلی تفسیر قرآن

## امتیازات تفسیر ماجدی

«تفسیر ماجدی» اثر دریابادی دارای ویژگی‌های متعددی است که آن را از سایر تفاسیر اردو متمایز می‌کند. مولانا ابوالحسن علی ندوی در «پیشگفتار» خود بر ویرایش جدید این اثر که توسط «مجلس تحقیقات و نشریات اسلامی» وابسته به «ندوة العلماء، لکنهو» منتشر شده، به شیوه‌ای فصیح به این تمایزات اشاره می‌کند:

از آنجا که قرآن به بهترین وجه، بیانگر مراد الهی است و خداوند خود، حفظ آن را در کمال پاکی و اصالت تضمین کرده است، جای تعجب نیست که در هر عصری تدابیر مشیت الهی برای تأیید و برجسته کردن حقانیت آن صورت می‌گیرد. با پیشرفت دانش و ظهور حقایق جدید در نتیجه‌ی اکتشافات و اختراعات، سؤالات و چالش‌های جدیدی نیز پدید می‌آیند. خداوند اطمینان داده است که در تمامی این موارد، مؤمنان به قرآن که از صمیم قلب به آن دل‌بسته‌اند، برای رویارویی و حل تمامی چالش‌های جدید وارد میدان شوند. آن‌ها با بهره‌مندی از تخصص، بینش نسبت به قرآن، آشنایی با جدیدترین منابع دانش و به پشته‌های سخت‌کوشی و فداکاری خود، همچنان به روشن‌تر کردن درستی قرآن ادامه می‌دهند. آن‌ها به شکاف عمیق بین اصول و پیام‌های جاودانه و حیات‌بخش قرآن و سطحی‌نگری و کاستی‌های دانش و عقل بشری اشاره می‌کنند و بدین ترتیب در هر عصری قرآن را به عنوان منبع جاودان هدایت معرفی می‌کنند.

مفسران برجسته‌ای مانند باقلانی، رومانی، جرجاوی، زمخشری، بیضاوی و رازی و غیره در دوران خود به طور مؤثری به چالش‌های آن روزگار پاسخ دادند.

در عصر ما نیاز مبرمی به کشف حقیقت پیام قرآنی در پرتو آخرین تحولات در علوم تجربی و تجربی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق و باستان‌شناسی وجود داشت. برای انجام این کار دشوار، مولانا عبدالماجد دریابادی پیش قدم شد. او به این مهم در تفسیر انگلیسی و اردوی خود دست یافت. تا جایی که من می‌دانم، او مناسب‌ترین فرد برای این کار بود زیرا دارای بینش قابل ملاحظه‌ای نسبت به دانش مدرن بود. او خواننده‌ای پرشور و اشتیاق بود و دیدگاهش با وسعت استثنایی همراه بود. او کاملاً نسبت به روانشناسی طبقه‌ی تحصیل‌کرده‌ی مدرن آگاهی داشت و همیشه خود را از تحولات جدید در عرصه‌ی علمی مطلع نگه می‌داشت. او در طول دوره‌ی طولانی نگارش تفسیر، اطمینان حاصل کرد

که به طور مرتب کتاب‌هایی تأمین شوند که سخنان قرآنی را گسترش دهند. تفسیر انگلیسی و اردوی او گواه بر مطالعه‌ی گسترده و عمیق او و تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش برای تأیید قاطع و نیرومند حقانیت قرآن است.

با وجود محدودیت‌هایم، اجازه دهید بگوییم که از ابتدای فعالیت‌م، تفسیر حوزه مورد علاقه و مطالعه‌ی ویژه‌ی من بوده است. به مدت ده سال در دارالعلوم ندوة العلماء تفسیر تدریس می‌کردم. بدین ترتیب، خداوند مرا قادر ساخت تا به این امر شریف خدمت کنم. به عنوان بخشی از این کار، هر تفسیر کلاسیک قابل‌ذکری را مطالعه کرده‌ام. در طی سفرهای مکرر به دنیای عرب، تصویری واضح از آخرین انتشارات در این زمینه دارم. بر اساس این تجربه‌ی گسترده و دست‌اول، گواهی می‌دهم که «تفسیر ماجدی» از جهات خاصی بی‌نظیر است. علی‌رغم وجود بسیاری از تفاسیر خوب، به چنین تفسیری نیاز بود. بسیاری از عبارات قرآنی را بدون داشتن درک روشنی از موقعیت و بافت تاریخی آن‌ها نمی‌توان به خوبی درک کرد. به همین ترتیب، رد قاطع قرآن بر برخی از مفاهیم نادرست زمانی قابل درک می‌شود که ابتدا بفهمیم این اعتقادات غلط چه هستند. مولانا دریابادی به ویژه مورد قدردانی همه کسانی است که دسترسی مستقیم به آموزه‌های غربی ندارند. دریابادی از منابع متعددی مطالب ارزشمندی را در مورد اشارات قرآنی به اشخاص، مکان‌ها، جوامع و فرقه‌ها استخراج کرده است. باز هم، تا جایی که من می‌دانم، او در تفسیرهای خود هرگز از دیدگاه سنتی منحرف نمی‌شود.

### ویژگی‌های برجسته‌ی تفسیر ماجدی

در نقد خود، پروفیسور یاسین مظهر صدیقی، یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران زنده‌ی اسلام/قرآن در شبه‌قاره، ویژگی‌های متمایز تفسیر دریابادی را به شرح زیر برمی‌شمارد:

ترجمه‌ی خوش‌خوان: ترجمه‌ی اردوی او به دلیل همخوانی با ساختار و اصطلاحات قرآنی قابل توجه است.

اصول ترجمه: او در «مقدمه» به خوبی به برخی از مشکلات ترجمه قرآن عربی به زبان اردو اشاره کرده است. مهم‌تر از آن، او به اصول و قواعدی اشاره کرده است که رعایت آن‌ها به حل این مشکلات کمک می‌کند.

وفاداری به ساختار قرآن: او در این ترجمه به ساختار و ترتیب کلمات قرآن وفادار مانده است. انجام این کار ساده‌ای نیست.

استفاده از منابع گسترده: او اولین مفسر اردو است که از چنین منابع متنوع و متعددی در مورد قرآن استفاده کرده است.

حاصل مطالعات عمیق: یادداشت‌های تفسیری او عصاره مطالعات عمیق و گسترده او از منابع مهم است.

استفاده از منابع جدید: رجوع او به مطالعات دانشگاهی مدرن، از جمله منابع غربی، نفس‌گیر است. هر دو منبع کلاسیک اسلامی و منابع غربی مدرن در تفسیر او به خوبی نمایندگی شده‌اند.

رویکرد نقادانه به شرق‌شناسان: او در برخورد با نوشته‌های شرق‌شناسان، آن‌ها را به طور کامل رد نمی‌کند. بلکه نکات معتبر آن‌ها را می‌پذیرد.

بررسی تطبیقی با کتاب مقدس: به همین ترتیب، او اظهارات کتاب مقدس را با ارجاعات قرآنی تأیید و رد می‌کند.

تفسیر علمی و اسلامی: تفسیر او هم علمی و هم اسلامی است، زیرا مطابق با قرآن و سنت است.

عدم تقلید کورکورانه: او تسلیم کورکورانه‌ی پیشینیان خود نمی‌شود. بلکه تا زمانی که موضع آن‌ها با مقصود قرآن مطابقت داشته باشد، به آن‌ها استناد می‌کند.

نثر ادبی دلنشین: دریابادی در نثر ادبی اردو استاد بود. هیچ مفسر اردویی در این زمینه به پای او نمی‌رسد. ترجمه و تفسیر او با زیبایی‌های ادبی متمایز مشخص می‌شود.

پروفسور عبدالله عباس ندوی (متوفی ۲۰۰۶) که خود قرآن‌شناس برجسته‌ای بود، این ادای احترام درخشان را به نبوغ دریابادی کرده است:

برخی از ویژگی‌ها در هر دو تفسیر انگلیسی و اردوی دریابادی مشترک است. با این حال، برخی دیگر تنها در تفسیر اردو «ماجدی» او به طور کامل درخشان هستند. به عنوان مثال، زیبایی‌های ادبی و ذکر منابع کلاسیک به زبان عربی اصلی، خاص تفسیر او به زبان اردو است. برای من، دیگر ویژگی‌های برجسته‌ی آن عبارتند از:

۱. اخلاص: نخستین و مهم‌ترین ویژگی یک مفسر، اخلاص است. برای انتقال معنا و پیام کتاب الله به دیگران، فردی با نهایت صداقت لازم است.

۲. دانش: بعد از صداقت، سطح دانش او قرار دارد. صلاحیت شرط اساسی است.

۳. استاد راهنما: علاوه بر صداقت در هدف و دانش عالی، یک مفسر باید از یک استاد راهنمای با استعداد بهره‌مند شود. چنین راهنمایی برای یک مفسر بسیار مفید است.

خوشبختانه دریابادی تمام الزامات فوق را برآورده کرد. او تفسیر را تنها برای رضای خدا آغاز کرد. او در تفسیر تبحر داشت. هدف او تولید تفسیری بود که حقیقت اسلام را تأیید کند، نه دفاعیه‌ی عذرخواهانه از آن ارائه دهد. هدف دیگر او این بود که جویندگان حقیقت بتوانند از قرآن راهنمایی دریافت کنند. مهم‌تر از همه، او در تمام مراحل نوشتن تفسیر خود توسط مولانا ثانوی، مفسر برجسته‌ی تفسیر، هدایت می‌شد. دریابادی از موضع مفسران کلاسیک منحرف نمی‌شود. او از تفسیر خود به عنوان بهانه‌ای برای نمایش دیدگاه‌های خیالی خود استفاده نمی‌کند.

### نقد کتاب مقدس در تفسیر ماجدی

یکی دیگر از کارهای بزرگ دریابادی، تحلیل انتقادی او از کتاب مقدس است. او در این کار هم از پیشینیان و هم از معاصران خود پیشی می‌گیرد.

مفسران کلاسیک عادت داشتند که به روایات اسرائیلی استناد کنند. مفسرانی مانند طبری، ابن کثیر، رازی، بغوی، قرطبی و آلوسی نمونه‌ی این رویه هستند. آن‌ها از این سخن پیروی می‌کردند: «ما چنین گزارش‌هایی را نه تأیید می‌کنیم و نه رد می‌کنیم.» گروه کوچکی از نویسندگان قرآن به افراط دیگر رفتند و گزارش‌های اسرائیلی را کاملاً رد کردند و تفاسیر

دلبخواهی خود را ارائه دادند. محمد عبده، شاگردش رشید رضا، و پیروانشان محمد اسد و مترجم قادیانی، محمد علی، به این گروه تعلق دارند.

سهم دریابادی در مطالعه‌ی انتقادی کتاب مقدس، دائرةالمعارف‌های یهودی و کتاب مقدس و سایر آثار معتبر درباره‌ی دین تطبیقی است. او با این کار، تردیدهای ناشی از روایات غیرقابل اعتماد اسرائیلی را برطرف می‌کند. علاوه بر این، او تحریف و سطحی‌نگری موجود در کتاب مقدس را اثبات می‌کند. او با مقایسه‌ی سوره حمد با دعای ربانی در کتاب مقدس و همچنین مقایسه‌ی توصیف قرآنی پیامبران یوسف، یونس و سلیمان (علیهم السلام) با روایت کتاب مقدس در مورد آن‌ها، برتری قرآن را به اثبات می‌رساند. با خواندن تفسیر او به راحتی می‌توان دریافت که وحی الهی فقط در قرآن تجسم یافته است، نه در سایر متون مقدس. تفسیر او، همانطور که از منابع به وفور نقل می‌کند، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های مفسران کلاسیک و پژوهش‌های اخیر است.

تفسیر او تا حد زیادی در انتقال شکوه، عظمت قرآن، بلاغت و تأثیرگذاری آن، لحن سرشار از رحمت و همچنین خشم خداوند در آیات قرآن موفق است. بدیهی است که در هیچ ترجمه‌ای نمی‌توان روح قرآن اصلی را به طور کامل منتقل کرد. با این حال، تفسیر دریابادی به درک گوشه‌ای از قدرت متن اصلی عربی کمک می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز تفسیر او این است که بدون توسل به جدل‌های مذهبی، مفاهیم نادرست برخی از فرقه‌ها و مکاتب فکری مسلمان را آشکار می‌کند. به عنوان مثال، ترجمه مناسب او از آیه ۵۹ سوره انعام، مبنای معیوب قادیانیت را از بین می‌برد.

تفسیر او که عصاره کل تفسیر است، آن را مستحق همان تحسینی می‌کند که از تفسیر رازی، زمخشری، سیوطی، قرطبی، بیضاوی و آلوسی به عمل می‌آید.

### نظر دانشوران در مورد تفسیر ماجدی

مولانا سید رابع حسنی ندوی، رئیس دارالعلوم ندوة العلماء، لکنهو و رئیس مجلس قانون شخصی مسلمانان، مشاهدات زیر را در مورد «تفسیر ماجدی» بیان می‌کند:

قرآن کتاب هدایت است و راهی را به انسان نشان می‌دهد که خالقش برای او تجویز کرده است. با این وجود، نقش قرآن در طول اعصار در حال تغییر است. مفسران قرآن،

راهنمایی‌های قرآنی را که در دوره‌های مختلف قابل اعمال است، شناسایی کرده‌اند. دریابادی در میان چنین دانشمندانی جایگاه ممتازی دارد، زیرا او تحصیلات مدرن را گذرانده و از آخرین یافته‌های علمی غرب بهره برده است. سپس به منابع اسلامی روی آورد و به عنوان یک عالم اسلام شناخته شد. او خود را وقف دفاع از دین اسلام کرد و دانش تخصصی در مورد قرآن به دست آورد. او با بهره‌مندی از هر دو منبع، یعنی علمای مسلمین کلاسیک و دانش مدرن، تفسیر خود را ارائه کرد که مورد استقبال علمای دینی و تحصیل‌کردگان مدرن قرار گرفت.

دریابادی در تفسیر خود از اجماع علمای مسلمان عدول نکرده است. از همه مهمتر، او در نگارش تفسیر خود از دانش خود نسبت به منابع عربی، اردو و انگلیسی به طور کامل استفاده می‌کند. به عنوان مثال، روایت او از مصلوب نشدن حضرت عیسی (ع)، که بر اساس مطالعات گسترده اوست، در درک بهتر مفهوم این آیه قرآنی کمک شایانی می‌کند: «وَقَوْلَهُمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» (نساء: ۱۵۷).

برتری تفسیر او بر دیگران در این است که منابع آن به زبان عربی محدود نمی‌شود. او برای تأیید درستی ادعاهای قرآنی، در به دست آوردن مطالب از منابع مدرن، از جمله تاریخ یهود، بسیار موفق بوده است.

مولانا قاری محمد طیب (متوفی ۱۹۸۳)، رئیس سابق دارالعلوم دیوبند، ویژگی‌های زیر از تفسیر ماجدی را که او را تحت تاثیر قرار داده است، بیان می‌کند:

این تفسیر واقعاً شاهکار مولانا دریابادی است. زیرا نیازهای طبقه تحصیل‌کرده مدرن را برآورده می‌کند.

من همیشه در یک تفسیر به دنبال این دو مؤلفه هستم:

۱. پیش‌زمینه‌ی تاریخی کافی درباره آیات قرآنی که یهودیان و مسیحیان را توصیف می‌کند. زیرا بدون این، آن آیات را نمی‌توان به طور کامل درک کرد. ۲. مقایسه‌ای بین قرآن و کتاب مقدس که برتری قرآن را برجسته کند.

به محض اینکه تفسیر ماجدی را برای مطالعه باز کردم، با خوشحالی فراوان دیدم که هر دو مؤلفه‌ی بالا به طور برجسته در آن وجود دارد. این تفسیر آرزوی دیرینه‌ی مرا برآورده کرد. دریابادی جنبه‌ی دین تطبیقی را به طور خلاصه در تفسیر خود پوشش داده است.

ویژگی بارز مکتب ولی‌اللهی این بود که آموزش تفسیر شامل مطالعه‌ی بخش‌های مربوطه از کتاب مقدس نیز می‌شد. هدف از این کار، آشکار کردن برتری قرآن، به ویژه جایگزینی قوانین آن با قوانین کتاب مقدس بود. از نظر آن‌ها، هیچ مطالعه‌ی تفسیری بدون داشتن ایده‌ای از دین تطبیقی کامل نبود. به نظر می‌رسد دریابادی این دغدغه‌ی ولی‌اللهی را در تفسیر خود جذب کرده است.

در نقد خود، مولانا امدادالزمان کیروانی قاسمی به ویژگی‌های برجسته‌ی زیر تفسیر ماجدی اشاره می‌کند:

- نقل قول‌های مرتبط از مفسران کلاسیک آورده شده است که به خوانندگان دیدگاه کلی از تفسیر قرآن می‌دهد.
- مطالعات جدید دانشمندان غربی به طور مکرر در این تفسیر به چشم می‌خورد.
- اختلاف نظر مفسران در مورد مفهوم یا تأکید اصطلاحات و مفاهیم قرآنی ذکر شده است.
- سبک ارائه او نه خشک و فلسفی است و نه کسل‌کننده. برعکس، زبان او روان و پاک است.
- اشارات تاریخی و جغرافیایی متن قرآن را توضیح می‌دهد.
- افراد، مکان‌ها و چیزها از جمله حیوانات ذکر شده در قرآن را به طور گسترده شناسایی می‌کند. برخی از کتاب‌های او در مورد مباحث قرآنی، مانند «حیوانات فی القرآن»، از علاقه‌ی او به تبیین همه چیزهای قرآنی نشأت گرفته است.

• رد او بر فرق و جوامع منحرف با لحن جدلی نیست. با این حال، او بطلان آن‌ها را آشکار کرده است.

ابو صفیان اسحاقی در مقاله‌ی تطبیقی گسترده‌ی خود در مورد تفسیر ماجدی و تفسیر «تدبر قرآن» اثر مولانا امین احسن اسحاقی (۱۹۰۳-۱۹۹۷) به این نتیجه‌ی روشنگر می‌رسد:

هر دوی آن‌ها کم‌وبیش مدیون مولانا حمیدالدین فراهی، عالم بزرگ عرب و قرآن هستند. با این حال، تأثیر او در تفسیر اسحاقی بیشتر مشهود است، زیرا او به عنوان شاگرد دائمی فراهی، علم تفسیر را نزد او آموخته است.

تفسیر دریابادی ترکیبی از سنت و دانش مدرن ارائه می‌دهد. مراجع او به کتاب مقدس و علوم غربی گسترده و چشمگیر است. همچنین، برخی از اتهامات بی‌اساس شرق‌شناسان به قرآن را رد می‌کند. تفسیرهای اردو عاری از چنین بحث‌هایی هستند. به همین ترتیب، او از منابع غربی برای برجسته کردن نقص‌ها و مغالطات در الگوی فکری و شیوه‌ی زندگی غربی استفاده می‌کند. این تفسیر علاوه بر توضیح آیات قرآنی، به تاریخ ملل، جغرافیا و حیوانات و غیره که قرآن به آن‌ها اشاره دارد نیز می‌پردازد و به همین دلیل جایگاه برجسته‌ای در میان تفسیرهای اردو دارد.

متمایزترین جنبه‌ی تفسیر اسحاقی تلاش مداوم و نظام‌مند او برای شناسایی انسجام در سطح هر دو آیه و سوره است. اگرچه دریابادی نیز به این ویژگی قرآن اشاره می‌کند، اما آن را در تفسیر خود توسعه نمی‌دهد.

### تفسیر ماجدی و سایر تفاسیر اردو

تحسین فراقی مقایسه دیگری بین تفسیرهای اردوی دریابادی، اسحاقی، مودودی و مفتی محمد شفیع که تقریباً در یک دوره نوشته شده‌اند، انجام می‌دهد. او برای مقایسه، روشی را در پیش می‌گیرد که در آن، از تفسیر آن‌ها در مورد آیه ۱۷۷ سوره‌ی بقره به طور مفصل نقل می‌کند و سپس نتیجه‌گیری می‌کند:

میان چهار تفسیر ذکر شده، تنها تفسیر ماجدی وسعت مطالعه‌ی درباره‌ی تاریخ بنی اسرائیل را داراست که برای درک مفهوم این آیه قرآنی ضروری است. پوشش دایرةالمعارف‌گونه‌ی او از مطالب مرتبط، باعث می‌شود این تفسیر هم از تفاسیر معاصر و هم از تفاسیر پیشین متمایز شود.

با تحلیل انتقادی یادداشت‌های توضیحی دریابادی، مودودی، اسحاقی و مفتی شفیع درباره‌ی آیه ۱۷۷ بقره، به وضوح مشخص می‌شود که تنها دریابادی در میان آن‌ها علاقه‌ی جدی به مطالعه‌ی دقیق تاریخ باستان داشته است. البته، تمام این مفسران معنا و پیام این آیه را به خوبی ارائه کرده‌اند. با این حال، هیچ‌یک از آن‌ها به طور عمیق به پیشینه‌ی تاریخی عبادت جهت‌ی وارد نشده‌اند. فقط دریابادی با روشی علمی به این موضوع پرداخته است.

### تفسیر ماجدی: در آمیخته‌ای از سنت و تجدد

دریابادی سخاوتمندانه از تأثیر استاد خود، مولانا ثانوی و تفسیر «بیان القرآن» او در نگارش تفسیر خود سخن به میان می‌آورد. این موضوع باعث شده برخی تصور کنند تفسیر او نسخه‌ای از کار قبلی استادش است. این برداشت کاملاً نادرست است. همانطور که قبلاً اشاره شد و بسیاری از منتقدان با تأکید اذعان کرده‌اند، تفسیر ماجدی حاوی مطالب بسیاری است که در سایر تفاسیر، از جمله «بیان القرآن» یافت نمی‌شود.

بحث‌های دریابادی درباره‌ی دین تطبیقی، اثبات برتری اسلام/قرآن با تکیه بر یافته‌های جدید نوشتارهای غربی، و پرداختن به نگرانی‌های مسلمانان تحصیل‌کرده‌ی مدرن، ویژگی‌های خاص تفسیر او هستند. او بدون شک تا حد زیادی از مولانا ثانوی الهام گرفته و در زمینه‌ی ترجمه و تفسیر قرآن، راهنمایی ارزشمند او را جویا شده است. همچنین، تفاسیر عمیق ثانوی درباره‌ی تصوف برای راهنمایی جویندگان حقیقت، در جاهایی از تفسیر ماجدی دیده می‌شود. با این حال، در رویکرد دریابادی به قرآن، ذهن جستجوگر و عقلانیت ورزیده‌ی او، و هدف او از تأکید بر برتری قرآن با مقایسه‌ی آن با متون مقدس پیشین و اشاره به نقص‌های ذاتی شیوه‌ی زندگی غربی، باعث می‌شود تا تفسیرش اصالت و ابتکار داشته باشد. برای مثال، تفسیر او از سوره‌ی فاتحه را در نظر بگیرید. او علاوه بر توضیح اصطلاحات، مفاهیم و اصول ایمانی قرآن که در این سوره آمده است، گامی فراتر برمی‌دارد و ترجمه

اردوی دعای ربانی کتاب مقدس (عهد جدید، متی ۶: ۹-۱۴) را ضمیمه می‌کند و چنین تفاسیر غنی‌کننده‌ای را در راستای دین تطبیقی ارائه می‌دهد:

۱. سوره‌ی فاتحه از پروردگار مهربان، بخشنده و صاحب اختیار کل جهان سخن می‌گوید. در مقابل، دعای ربانی او را تنها در آسمان‌های محدود و خاص جای می‌دهد: «ای پدر ما که در آسمانی». علاوه بر این، او را پدر خطاب می‌کند که بلافاصله رابطه‌ای مادی و زیستی بین انسان و خدا را به ذهن متبادر می‌کند.

۲. سوره‌ی فاتحه بر سروری، بخشندگی، رحمت و مالکیت مطلق خدا تأکید می‌کند، در حالی که دعای ربانی تنها به پادشاهی خدا بر زمین اشاره می‌کند.

۳. سرچشمه‌ی توحید خالص و بی‌آمیغ در سوره‌ی فاتحه و نهی آن از پرستش یا درخواست کمک از غیر خدا مشهود است. دعای ربانی از تمام این موارد عاری است.

۴. اشاره‌ی مستقیم به «نان روزانه» در دعای کتاب مقدس، اهمیت اشیاء مادی را در دیدگاه آن برجسته می‌کند.

۵. دعا برای نجات از شر، همانطور که در دعای کتاب مقدس وجود دارد، به وسعت دعای قرآنی برای نشان دادن و پیروی از راه راست نیست.

اینکه تفسیر ماجدی دربابادی، آمیزه‌ای شگفت‌انگیز از سنت و مدرنیته، سنت و تجدد و ایمان و عقل را نشان می‌دهد، به عنوان مثال با تفسیر او از سوره‌ی فاتحه، به ویژه با توجه به گستره‌ی منابع مورد استفاده‌اش، قابل درک است. منابع او شامل تفاسیر و علوم قرآنی قرطبی، رازی، ابن کثیر، ابن قیم، ابن عباس، بیهقی، زمخشری و آلوسی؛ احادیثی که بخاری، مسلم و ترمذی نقل کرده‌اند؛ نوشته‌های فقهی حنفی و مالکی و لغت‌شناسان و نحویان عرب مانند راغب اصفهانی، زبدي بغدادی، ابوالباقریر و فرهنگ‌های لغت معتبر، القاموس و لسان العرب؛ و جالب تر اینکه، در کنار موارد فوق، نقل قول‌هایی از کتاب مقدس، دائرةالمعارف بریتانیکا و برخی نوشته‌های شرق‌شناسان دیده می‌شود.

### تفسیر ماجدی و تفاسیر کلاسیک عربی

دریابادی به دلیل احترام فوق العاده به استاد خود، مولانا ثانوی و علاقه‌مند به آشنایی خوانندگان با شیوه‌ی آموزشی او، در چندین مورد مشاهدات مولانا ثانوی را نقل کرده است. اکثر این مشاهدات گرایش صوفیانه‌ی آشکاری دارند. برای برخی از خوانندگان، ممکن است این کار عجیب به نظر برسد: نقل قول از تفاسیر صوفیانه و تلاش برای تأیید آن‌ها از قرآن. با این حال، باید روشن شود که مولانا ثانوی تنها نویسنده‌ای است که دریابادی با گرایش صوفیانه از او نقل قول می‌کند. هیچ مرجع صوفی دیگری در تفسیر ماجدی وجود ندارد. لحن تفسیر او را می‌توان با توجه به آثاری که نقل می‌کند، قضاوت کرد. در جلد ۵ تفسیر ماجدی که از سوره‌های شعراء (۲۶) تا یس (۳۶) را پوشش می‌دهد، آثار زیر به ترتیب نزولی تعداد دفعات نقل شده است:

روح المعانی اثر آلوسی

بیان القرآن اثر ثانوی

تفسیر کبیر اثر رازی

احکام القرآن اثر قرطبی

مدارک التنزیل اثر نسفی

انوار التنزیل اثر بیضاوی

البحر المحيط اثر ابو حیان غرناطی

تفسیر القرآن العظیم اثر ابن کثیر

کشاف اثر زمخشری

احکام القرآن اثر جصاص

معالم التنزیل اثر بغوی

## جامع البیان اثر طبری

در جلد ۶ تفسیر ماجدی که از سوره‌های صافات (۳۷) تا حجرات (۴۹) را شامل می‌شود، منابع او باز هم به ترتیب نزولی تعداد دفعات نقل شده عبارتند از:

روح المعانی اثر آلوسی

تفسیر کبیر اثر رازی

معالم التنزیل اثر بغوی

مدارک التنزیل اثر نسفی

تفسیر القرآن العظیم اثر ابن کثیر

البحر المحیط اثر ابو حیان غرناطی

انوار التنزیل اثر بیضاوی

بیان القرآن اثر ثانوی

کشاف اثر زمخشری

احکام القرآن اثر قرطبی

احکام القرآن اثر جصاص

جامع البیان اثر طبری

مولانا تقی عثمانی به دلایل نامشخص، در نقد خود بر تفسیر ماجدی، این ادعای بی‌اساس را مطرح می‌کند که تفسیر المنار در آن به طور مکرر نقل شده است. اما حتی یک ارجاع به این تفسیر در فهرست منابع دریابادی وجود ندارد. بدتر اینکه، مولانا عثمانی از این اتهام بی‌اساس برای زیر سوال بردن شدید تفسیر دریابادی استفاده می‌کند. با توجه به شواهد غیرقابل انکار فوق، اتهام او بسیار عجیب به نظر می‌رسد.

## نتیجه‌گیری

با وجود این که دریابادی تنها به تبعیت از مولانا تهانوی گاهی به تصوف پرداخته است، تفسیر او به دلیل پاسخگویی تحسین برانگیز به نیازهای مسلمانان تحصیل کرده‌ی مدرن، بسیار ارزشمند است. چرا که اسلام را به عنوان راهی طبیعی پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد که به انسان می‌آموزد چگونه زندگی کند تا هم در این دنیا و هم در دنیای دیگر به خوشبختی و موفقیت دست یابد. علاوه بر این، قرآن را اساساً به عنوان کتاب هدایت از جانب خداوند تفسیر می‌کند. این امر به نوبه‌ی خود، خوانندگان را قادر می‌سازد تا به درک همه‌ی مسائل اسلامی برسند. مقایسه‌ای که در تفسیر دریابادی میان قرآن و کتاب مقدس و اندیشه‌ی غرب مدرن صورت گرفته است، خوانندگان را نسبت به برتری و جاودانگی قرآن، مطمئن می‌کند. همه‌ی این ویژگی‌ها باعث می‌شود تفسیر ماجدی دریابادی، گنجینه‌ای ارزشمند برای دانشجویان قرآن در عصر ما باشد.

## منابع

۱. ابوت، فرلند ک. «مولانا مودودی در تفسیر قرآن»، دنیای اسلام، ۴۸(۱): ۱۹۵۸، ۶-۱۹.
۲. آدامز، چارلز جوزف، «تفسیر القرآن ابوالاعلی مودودی»، رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن، ویراستار اندرو ریپین، آکسفورد: انتشارات کلارند، ۱۹۸۸، ۳۰۷-۲۳.
۳. احمد، خورشید، «برخی اندیشه‌ها درباره یک تفسیر جدید اردو»، مجموعه مقالات بیست و نهمین کنگره بین‌المللی شرق‌شناسان: مطالعات عربی و اسلامی، ویراستار کلود کاهن، پاریس: لازیاتیک، ۱۹۷۵، ۱-۷.
۴. عاصم، محمود، «عبدالحمید فراهی و رویکرد او به تفسیر قرآن»، مجله مطالعات عربی و اسلامی هند، ۳(۱): ۲۰۱۸، ۳۵۴-۷۵ [شماره ویژه مطالعات قرآنی ۳].
۵. بشیر، کامران، «بازخوانی رویکردهای نظم مدرن به قرآن: تفسیر اسحاقی از سوره‌های ۱۰۷ و ۱۰۸ در تفسیر تدبر قرآن او»، مجله مطالعات قرآنی، ۱۷(۲): ۲۰۱۵، ۴۷-۷۴.
۶. کراگ، کنت، «تدبر قرآن: خواندن و معنا»، در جستجوی اومانیسیم اسلامی: مطالعات عربی و اسلامی به یاد محمد النوویحی، ویراستار آرنولد اچ. گرین، قاهره: انتشارات دانشگاه آمریکایی قاهره، ۱۹۸۴، ۱۸۱-۹۵.

۷. دوسوزا، آندریاس فلیکس، «مفهوم وحی در نوشته‌های سه مسلمان هندی معاصر: مطالعه‌ای درباره احمد خان، ابوالکلام آزاد و ابوالاعلی مودودی»، رساله دکترای منتشر نشده، دانشگاه مک‌گیل: مونترال، کانادا، ۱۹۸۸.
۸. دوسوزا، آندریاس فلیکس، «مفهوم وحی در نوشته‌های سه مسلمان هندی معاصر: مطالعه‌ای درباره احمد خان، ابوالکلام آزاد و ابوالاعلی مودودی»، مجله الهیات آسیا، ۳(۲): ۱۹۸۹، ۱۲-۷۱۱.
۹. دهلوی، شاه ولی‌الله، الفوز الکبیر فی اصول التفسیر: اصول تفسیر قرآن، ترجمه جی. ان. جلوانی، اسلام‌آباد: شورای ملی هجرت، ۱۹۸۵.
۱۰. فاروقی، عمادالحسن آزاد، ترجمان القرآن: تحلیل انتقادی رویکرد مولانا ابوالکلام آزاد به درک قرآن، دهلی نو: ویکاس، ۱۹۸۲.
۱۱. اسحاقی، ابوصفیان، «تفسیر ماجدی و تدبر قرآن»، مجله مطالعات عربی و اسلامی هند، ۲(۳): ۲۰۱۷، ۳۲۰-۲۸۵ [شماره ویژه مطالعات قرآنی ۱].
۱۲. اسحاقی، دیال‌الدین، ترجمه طیفیل احمد خان و رضوان احمد، «تفسیر - خاستگاه و توسعه: با ارجاع ویژه به هند»، مجله مطالعات عربی و اسلامی هند، ۲(۳): ۲۰۱۷، ۸۵-۱۰۹ [شماره ویژه مطالعات قرآنی ۱].
۱۳. اسحاقی، محمد عمر صفیان، «اصول تدبر در قرآن: نقدی بر رویکرد اسحاقی»، مجله مطالعات عربی و اسلامی هند، ۳(۲): ۲۰۱۸، ۲۱۱-۲۲ [شماره ویژه مطالعات قرآنی ۴].
۱۴. خان، احمد، قرآن کریم ترجمه اردو: کتابیات. اسلام‌آباد، قومی مکتبه زبان، ۱۹۸۷.
۱۵. قدوایی، عبدالرحیم، «مولانا دریابادی و تفسیر قرآن»، اسلامی همدرد ۲(۷): (۱۹۸۵)، ۶۳-۷۰.
۱۶. قدوایی، عبدالرحیم، «نقدی بر تفسیر القرآن دریابادی»، مجله نقد کتاب دنیای اسلام، ۵(۲): ۱۹۸۵، ۱۶-۱۴.

۱۷. قدوایی، عبدالرحیم، «تفسیر القرآن سید احمد خان»، سید احمد خان: ادای احترام صدمین سالگرد، ویراستار اسلوب ا. انصاری، دهلی نو: ناشران و توزیع‌کنندگان آدم، ۲۰۰۱

## References

1. ABBOT, Freeland K., "Maulana Maududi on Qur'anic Interpretation," *The Muslim World*, 48(1):1958, 6-19.
2. ADAMS, Charles Joseph, "Abul Ala Mawdudi's *Tafhim al Qur'an*," *Approaches to the History of the Interpretation of the Qur'an*, ed., Andrew Rippin, Oxford: Clarendon Press, 1988, 23-307.
3. AHMAD, Khurshid, "Some Thoughts on a New Urdu Tafsir," *Actes Du XXXIXe Congree International Des Orientalistes: Etudes Arabes Et Islamiques*, ed., Claude Cahen, Paris: L'Asiatheque, 1975, 1-7.
4. ASIM, Mahmud, "Abd -ul -Hamid Farahi and His Approach to Qur'anic Hermeneutics," *The Indian Journal of Arabic and Islamic Studies*, 3(1):2018, 354-75 [Special Issue on Qur'anic Studies-III].
5. BASHIR, Kamran, "Revisiting Modern *Nazm* Approaches to the Qur'an: Islahi's Interpretation of Q. 107 and Q. 108 in *his Tadabbur-i Qur'an*," *Journal of Qur'anic Studies*, 17(2):2015, 47-74.
6. CRAGG, Kenneth, "Tadabur *al-Qur'an: Reading and Meaning*," *In Quest of an Islamic Humanism: Arabic and Islamic Studies in Memory of Mohamed al-Nowaihi*, ed., Arnold H. Green, Cairo: American University in Cairo Press, 1984, 181-95.
7. D'Souza Andreas Felix, "The Concept of Revelation in the Writings of Three Modern Indian Muslims: A Study of Ahmad Khan, Abul-Kalam Azad and Abu al- A'la Mawdudi, Unpublished Ph.D. Dissertation, McGill University: Montreal, Canada, 1988.

8. D'Souza Andreas Felix, "The Concept of Revelation in the Writings of Three Modern Indian Muslims: A Study of Ahmad Khan, Abul Kalam Azad and Abul Ala Mawdudi," *Asia Journal of Theology*, 3(2):1989, pp. 711–12.
9. DEHLAVI, Shah Wali Allah, *Al-Fauz al-Kabir fi Usul al-Tafsir: The Principles of Qur'an Commentary*, tr., GN Jalbani, Islamabad: National Hijra Council, 1985.
10. FARUQI, Imadulhasan Azad, *The Tarjuman al-Qur'an: A Critical Analysis of Maulana Abu'l-Kalam Azad's Approach to the Understanding of the Qur'an*, New Delhi: Vikas, 1982.
11. ISLAHI, Abu Sufyan, "*Tafsir -i -Majidi and Tadabbur-i - Qur'an*," *The Indian Journal of Arabic and Islamic Studies*, 2(3): 2017, 285–320 [Special Issue on Qur'anic Studies-I].
12. ISLAHI, Diyauddin, tr., Tufail Ahmad Khan and Rizwan Ahmad, "Tafsir-Origin and Development: With Special Reference to India," *The Indian Journal of Arabic and Islamic Studies*, 2(3): 2017, 85–109 [Special Issue on Qur'anic Studies-I].
13. ISLAHI, Mohammad Omair Sufyan, "Principles of Pondering on the Qur'an: A Review of Islahi's Approach," *The Indian Journal of Arabic and Islamic Studies*, 3(2): 2018, 211–22 [Special Issue on Qur'anic Studies -IV].
14. Khan, Ahmad, *Quran Karim Ke Urdu Tarjm: Kitabiyat*. Islamabad, Qawmi Muqtadara Zaban, 1987.
15. KIDWAI, Abdur Raheem, "Maulana Daryabadi and the Qur'anic Exegesis," *Hamdard Islamicus*, 7(2):1985, pp. 63–70.
16. KIDWAI, Abdur Raheem, "Review on *Tafsir- ul -Qur'an* by Daryabadi," *Muslim World Book Review*, 5(2):1985, pp. 14–16.
17. KIDWAI, Abdur Raheem, "Sir Syed's *Tafsir al-Qur'an*," *Sir Syed Ahmad Khan: A Centenary Tribute*, ed., Asloob A. Ansari, New Delhi: Adam Publishers and Distributors, 2001, pp. 69–89.

18. KIDWAI, Abdur Raheem, " *Tadabbur -e-Qur'an: Pondering Over the Qur'an Tafsir of Surah al-Fatihah and Surah al-Baqarah by Amin Ahsan Islahi,*" *The Muslim World Book Review*, 28(4): 2008, pp. 17-19.
19. KIDWAI, Abdur Raheem, "The Meaning of the Qur'an (1967-1988) by Syed Abul Ala Mawdudi," *Translating the Untranslatable: A Critical Guide to 60 English Translations of the Qur'an*, New Delhi: Sarup Book, 2011, pp. 44-47.
20. KIDWAI, Abdur Raheem, "The Noble Qur'an: *Tafseer -e Usmani* by Mahmoodul Hasan and Shabbir Ahmad Usmani," *Translating the Untranslatable: A Critical Guide to 60 English Translations of the Qur'an*, New Delhi: Sarup Book, 2011, 05-101.
21. KIDWAI, Abdur Raheem, "The Qur'an by Wahiduddin Khan," *Translating the Untranslatable: A Critical Guide to 60 English Translations of the Qur'an*, New Delhi: Sarup Book, 2011, 161-62.
22. KIDWAI, Abdur Raheem, "The Holy Qur'an: An English Translation of *Kanzul Iman* (1988) by Ahmad Raza Khan Bareilvi," *Translating the Untranslatable: A Critical Guide to 60 English Translations of the Qur'an*, New Delhi: Sarup Book, 2011, pp. 185-87.
23. NADWI, Syed Abul Hasan Ali, "Maulana Daryabadi as a Qur'anic Scholar," *Journey of Faith: Maulana Abdul Majid Daryabadi (1892-1977)*, eds., Akhtarul Wasey and Abdur Raheem Kidwai, Shipra Publication: Delhi, 2016, 103 -11 [Originally Syed Abul Hasan Ali Nadwi's 'Introduction' in Daryabadi's English Translation of and Commentary on the Qur'an published by the Academy of Islamic Research and Publication in 1981].
24. MIR, Mustansir, *Coherence in the Qur'an: A Study of Islahi's Concept of Nazm in Tadabbur-i Qur'an*, American Trust Publications: Washington, 1986.
25. MIR, Mustansir, "Some Features of Mawdudi's *Tafhim al-Qur'an*," *The American Journal of Islamic Social Sciences*, 2(2):1985, 233-44.
26. MIR, Mustansir, "The Urdu Qur'anic Commentary of Muhammad Shafi' (d. 1976): *Ma' arifu'l Qur'an*" *The Qur'an and its Readers Worldwide: Contemporaries and*

*Translations, Suha Taji- Farouki, ed.*, Oxford: Oxford University Press, in association with the Institute for Isma'ili Studies, 2015, 195-215.

27. MUSHTAQ, Aroosha, "A Critical Study of Abdul Majid Daryabadi's English Translation and Exegetical Notes on the Qur'an," Unpublished Ph.D. Dissertation, Government College University: Lahore, 2018.
28. Nazeer Ahmad Ab. Majeed (Ed.) *Quran Interpretation in Urdu*. New Delhi, Viva Books, 2019.
29. QASMI, Nayab Hasan, "Qur'an- i -Karim Ke Hindustani Tarajim Wa Tafasir Ka Ijmali Ja'izah," *The Indian Journal of Arabic and Islamic Studies*, 3(2): 2018, 240-45 [Special Issue on Qur'anic Studies-IV].
30. ROBINSON, Neal, "Sectarian and Ideological Bias in Muslim Translations of the Qur'an," *Islam and Christian - Muslim Relations*, 8(3):1997, 261-78.
31. Sanyal, Usha, *Ahmad Raza Khan Bareilwi*, Oxford, Oneworld, 2005.
32. SARKER, Md. Masum, " *Tafhim al-Qur'an: An Analytical Study of Abu al-Ala Mawdudi's Approach to the Understanding of Ayat al Ahkam,*" *IIUC Studies*, Vol. 10-11, December, 2014, pp. 231-62.
33. SHARAFUDDIN, Saleha A. Hakeem, *A Brief Survey of Urdu Translation of the Qur'an*, Sharafuddin and Sons: Bombay, 1984.
34. SUNAGA, Emiko, "Characteristics of the Qur'an Interpretations in the Urdu Language from Shah Wali Allah to Maududi," *Center for Southeast Asian Studies*, Kyoto University, November, 2011.
35. SYED, Abdul Latif, *Basic Concepts of the Qur'an by Mawlana Abul Kalam Azad, Being a Resume of the Views Advanced by Him in His Commentary in Urdu of the Surat- ul -Fatiha, the Opening Chapter of the Qur'an*, Lahore : Hijra International, 1983.

36. TROLL, Christian W., "A Note on the *Tafsir -i Thana'i of Thana* Allah Amritsari and His Criticism of Sayyid Ahmad Khan's *Tafsir -i Ahmadi*," *Islamic Culture*, (49):1985, 29-44.
37. Uthmani, Muhammad Nasim, *Urdu mein Tafsir Adab*. Karachi, Uthmania, Academic Trust, 1994.